

۲۲۴۹۴۸۳ : سندس



تاریخ سندی مدرسه ایرانیان استانبول

www.ketab.ir

حسن حضرتی
دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران
فاطمه السادات میررضی

تهران. ۱۴۰۰



پژوهشکده تاریخ اسلام

تاریخ سندی مدرسه ایرانیان استانبول

تألیف: حسن حضرتی - فاطمه السادات میررضی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قوبدل

ویراستار: ملیحه سرخی کوهی خیلی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۷۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشارات: ۹۹

۸۵۰۰۰ تومان

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.
کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۸۸۶۷۶۸۶۰

تلفن: ۸۸۶۷۶۸۶۱-۳

سرشناسه:	حضرتی، حسن، ۱۳۳۹ --
عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ سندی مدرسه ایرانیان استانبول / حسن حضرتی، فاطمه السادات میررضی.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۳۳۳
شابک:	978-600 7398-71 5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت:	کتابنامه: ص ۳۳۵-۳۳۷؛ همچنین به صورت زیرنویس؛ نمایه.
موضوع:	مجمع آموزشی فجر ایرانیان استانبول - تاریخ - اسناد و مدارک: مدرسه‌ها - ترکیه - تاریخ - اسناد و مدارک - History - Sources - Schools - Turkey
شناسه افزوده:	میررضی، فاطمه سادات
رده‌بندی کنگره:	LA۹۴۱/۳
رده‌بندی دیویی:	۳۷۰/۹۵۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۸۵۳۸۷۵۵

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر، و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک، تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات، در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش های گوناگون دنبال می شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه هایی همچون تشکیل کارگاه های تخصصی، نشست های علمی تخصصی و حمایت از پروژه های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست، که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم اکنون با پنج گروه علمی و زیر نظر شورای علمی - راهبردی فعالیت می کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. پژوهشکده تاریخ اسلام توسط سایت خود با همه پژوهشگران و علاقه مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می کند. این سایت، علاوه بر انعکاس همه فعالیت های این مرکز علمی، بازتاب دهنده فعالیت های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن سایت مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه جانبه، که انعکاس دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می کنم.

سیدهادی خامنه ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

فهرست مطالب

سخن اول	۷
سرنیشت	۱۱
پیشگفتار	۱۵
پیشینه پژوهش	۱۸
مراجع پژوهش	۱۹
۱. تاریخ مدرسه	۲۱
۱-۱. اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه و دولت عثمانی (نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم میلادی)	۲۱
۱-۱-۱. اندیشه‌های تنظیماتی	۲۲
۱-۲-۱. عثمانی‌گری	۲۳
۲-۱. تأسیس و ساختار	۲۸
۱-۲-۱. انجمن اداره	۳۰
۲-۲-۱. انجمن تدریسه	۳۶
۳-۱. منابع مالی	۳۷
۴-۱. ساختمان مدرسه	۴۴

۴۸	۵-۱. برنامه آموزشی و شیوه اداره مدرسه
۵۹	۶-۱. کلاسها و مقاطع تحصیلی
۶۱	۷-۱. مدیران
۷۲	۸-۱. معلمان مدرسه
۷۴	۹-۱. دانش آموزان
۷۶	۱۰-۱. آموزش مهارت محور
۷۸	۱۱-۱. مدرسه و دولت ایران
۷۸	۱۲-۱. رسالت فرهنگی مدرسه و مشکلات پیش رو
۸۴	۱۳-۱. ایدئولوژی ترک گرایی
۹۱	۱۴-۱. برنامه های فرهنگی غیر رسمی

۹۵	۲. اسناد مدرسه
----	----------------

۲۶۷	۳. پیوست ها
۲۶۷	۱-۳. متن نظام نامه
۲۹۵	۲-۳. گزیده اسناد
۳۳۲	۳-۳. عکس ها

۳۳۵	منابع و مأخذ
۳۳۵	الف. کتب و مقالات
۳۳۷	ب. اسناد و نشریات
۳۳۷	ج. منابع لاتین

۳۳۹	نمایه
-----	-------

سرنیشت

تاریخ سندی مدرسه ایرانیان استانبول نمونه‌ای از تلاش فرهنگی ایرانیان برای حفظ هویت ملی خود در خارج از ایران است. این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که ایرانیان استانبول با وجود مشکلات و موانع مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که پیش رو داشتند، چگونه می‌کوشیدند این نهاد فرهنگی را زنده و پویا نگه دارند تا به واسطه آن تعلیم و تربیت فرزندان خود را با محوریت زبان فارسی و مبانی و عناصر فرهنگ ایرانی سامان ببخشند. مطالعه سرگذشت پر فراز و نشیب این مدرسه به خوبی گواه آن است که ایرانیان استانبول از صنوف مختلف (تاجر و دولتمرد و روزنامه نگار و غیره) فارغ از اینکه خراسانی باشند یا آذربایجانی و گیلانی یا بوشهری، به شدت دغدغه ایران و ایرانیّت داشتند و با صرف وقت و هزینه مال می‌کوشیدند به هر شکل ممکن این مؤسسه آموزشی و فرهنگی را پویا و کارآمد نگه دارند. از این حیث، آنچه متولیان این مدرسه انجام داده‌اند، می‌تواند برای امروز ما سرمشق خوبی باشد تا درس‌های آموزنده‌ای بگیریم و آنها را برای بهسازی نظام آموزشی کشور به کار ببندیم.

پژوهش حاضر مبتنی بر اسناد فارسی و ترکی سامان یافته است. خوشبختانه! در مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، آرشیو ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی اسناد بسیار خوبی درباره مدرسه ایرانیان استانبول وجود دارد. با کمک‌ها و همراهی متولیان امر در مراکز یادشده از همه اسناد موجود استفاده کردیم. البته شوربختانه! در آرشیو

دولتی ترکیه اسناد زیادی درباره مدرسه نیافتیم. شاید علت این امر آن باشد که هنوز اسناد «نظارت معارف» عثمانی فهرست‌نویسی نشده و در سامانه جست‌وجو قرار نگرفته است. با این حال، چند سندی که درباره مدرسه از آرشیو عثمانی به دست آمد، در پژوهش حاضر استفاده شده است. از آنجا که قصد اصلی در این پژوهش ارائه همه اسناد مفید درباره مدرسه بود، سعی زیادی صورت گرفت تا در این زمینه چیزی از قلم نیفتد.

در بازدیدی که از مدرسه در استانبول در تابستان ۱۳۹۸ انجام شد و گفت‌وگویی که با مدیر و عوامل اجرایی آن صورت گرفت، معلوم شد که با نهایت تأسف هیچ سند و مدرکی از گذشته این مؤسسه ۱۴۱ ساله بایگانی و نگهداری نشده است. باور این موضوع البته سخت است و شاید قصدی بر در اختیار گذاشتن اسناد و مدارک و پرونده‌ها نبوده است و از سر اضطرار به ما چنین پاسخی دادند؛ وگرنه از بین رفتن اسناد و مدارک چنین مدرسه مهمی کم از یک فاجعه نیست. از این رو، نتیجه بازدید ما فقط گرفتن چند عکس بود و گفت‌وگویی نیم‌ساعه با مدیر و دیگر مسئولان محترم مدرسه. اثری که تقدیم می‌شود امکان زیادی برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا از زاویه مسائل و رویکردهای خود در اسناد مدرسه تأمل کنند و به نتایج مطلوب دست یازند. با این حال راقمان این سطور هم کوشیدند رهیافت و تأملات نظری خود درباره تاریخ مدرسه را با خوانندگان فرزانه در میان بگذارند. امید که مقبول افتد.

متن حاضر از دو بخش اصلی تاریخ مدرسه و اسناد آن تشکیل شده است. در بخش مربوط به تاریخ مدرسه کوشیدیم روایت خودمان را از زمان تأسیس و تداوم حیات این نهاد آموزشی مبتنی بر اسناد و مدارک معتبر ارائه کنیم. در بخش دوم، اسناد مهم استخراج شده از مراکز آرشیوی را بازنویسی کرده و در اختیار قرار دادیم. جدا از شماره‌گذاری، موضوع هر سند را نیز مشخص و در ابتدای آن درج کردیم تا کار را برای خوانندگان تسهیل کرده باشیم. چینش اسناد براساس ترتیب تاریخی است که البته می‌توانست براساس موضوع هم باشد، ولی ترجیح ما بر ترتیب تاریخی قرار گرفت.

در مراحل مختلف انجام این پژوهش و نیز نشر آن از لطف و محبت و مساعدت همکاران و دوستان عزیزی برخوردار بودیم. جا دارد مراتب تشکر و قدردانی خود را از یکایک آنان اعلان کنیم:

- استاد عالیقدر جناب آقای دکتر محمدتقی امامی خویی که به عنوان ناظر طرح، متن را با دقت مطالعه کردند و نکات سودمندی را یادآور شدند.
- مسئولان محترم مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، آرشیو ملی ایران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و آرشیو عثمانی استانبول که در تهیه اسناد یاری رسان ما بودند.
- مسئولان محترم پژوهشکده تاریخ اسلام که زمینه نشر این اثر را فراهم کردند. به طور مشخص باید یاد کنیم از همراهی های مهربانانه رئیس محترم پژوهشکده حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای سید هادی خامنه ای، آقای خلیل قویدل، مدیر محترم انتشارات و سرکار خانم ملیحه سرخی کوهی خیلی ویراستار گرامی.
- دوست ارجمند آقای کورش مقتدری، وابسته فرهنگی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول که مقدمات بازدید از مدرسه و گفت و گو با مسئولان آن را مهربانانه فراهم نمودند.
- پژوهشگر ارجمند جناب آقای غلامعلی دهنوی که نظام نامه مدرسه را در اختیار ما قرار دادند.
- دکتر رسول جعفریان و دکتر مجید منتظر مهدی که در تهیه برخی از اسناد و مدارک به کمک ما آمدند.

حسن حضرتی

تهران، تیرماه کرونایی ۱۴۰۰

پیشگفتار

اسلامبول^۱ برای ایرانیان در دوران قاجار و پس از آن شهری فرصت‌ساز بود. آن زمان که مشکلات و موانعی پیش روی ایرانیان رخ می‌نمود، با مهاجرت به این شهر، راه و امکان جدیدی برای فرار از مشکلات و آغاز فعالیت پیدا می‌کردند. این مسئله برای ایرانیان از گروه‌ها و قشرهای مختلف نظیر تاجران کاسب، فعال سیاسی، کنشگر اجتماعی، روزنامه‌نگار، مبارز سیاسی، آزادی‌خواه و غیره صادق بود. گویی اسلامبول شهری از شهرهای ایران بود، اما با دولت و حاکمی دیگر که چندان کاری با آنها نداشت و تابع حکومت مرکزی ایران هم نبود. هر فرد و گروهی که به هر دلیلی در شهری از شهرهای ایران امکان فعالیت پیدا نمی‌کرد، به سوی اسلامبول گسیل می‌شد تا عرصه‌ای فراخ برای کوشش و فعالیت‌های خود پیدا کند.

در دوران قاجار دیگر از جنگ‌های تمام‌عیار میان ایران و عثمانی خبری نبود؛ به‌ویژه آنکه پس از امضای معاهدات ارضروم^۲، جز محدود درگیری‌های مرزی، دو دولت صف‌آرایی نظامی تمام‌قد در مقابل هم نداشتند. این شرایط امکان بیشتری برای نزدیکی بین دو ملت ایجاد کرده بود. برخلاف دوره‌های دیگر که جابه‌جایی‌های

۱ در بسیاری از اسناد و مدارک دوره قاجاریه به جای «استانبول» از «اسلامبول» استفاده شده است؛ گرچه استانبول هم به کار رفته است. بر همین اساس، مؤلفان این اثر در این متن بیشتر از عنوان اسلامبول استفاده کرده‌اند.

۲ معاهدات ارضروم ناظر به دو عهدنامه منعقد شده در سال‌های ۱۲۳۹ق/۱۲۰۲ش. و ۱۲۶۳ق/۱۲۲۶ش. میان ایران و دولت عثمانی است.

انسانی میان دو کشور قالب پناهندگی داشت، حال در دوره قاجار گونه مهاجرت جای پناهندگی را گرفته بود. آحاد مردم به سبب روابط دوستانه‌ای که میان دو کشور وجود داشت، می‌توانستند با خیال راحت به کشورهای همدیگر مهاجرت کنند و فرصت‌های جدیدی را برای فعالیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود فراهم سازند.

اسلامبول به عنوان یکی از کانون‌های تجددخواهی در نیمه دوم قرن سیزدهم و چهاردهم قمری/ قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم شمسی، واسطه ارتباط ایرانیان با دنیای غرب بود. سه شهر اسلامبول، تبریز و باکو شهرهایی بودند که سهم بالایی در پذیرش و انتقال مؤلفه‌های تجدد غربی به جامعه عثمانی و ایران داشتند. اسلامبول از لحاظ پویایی و تکثر فرهنگی و اجتماعی به جامعه اروپا شباهت داشت. فضای عصر اصلاحات و عملکرد مردان اصلاحات در ایجاد حقوق مساوی برای اتباع گوناگون و برقراری عدالت میان شهروندان دولت عثمانی، بدون توجه به نژاد، ملیت و مذهب آنها، فضای مطلوبی برای حیات انواع صداها ایجاد کرده بود؛ به همین سبب مکان مناسبی برای مهاجرت بسیاری از افراد با زمینه‌های فکری و مذهبی گوناگون شده بود. این مهاجران که بخش زیادی از آنان آذربایجانی بودند، به شیوه جابه‌جایی و سرایت پس از حضور در اسلامبول و رفت‌وآمد به تبریز و باکو نقش برجسته‌ای در پخش و انتقال آموزه‌های مدرن در اشکال و سطوح مختلف به قفقاز و ایران داشتند.^۱ بی‌دلیل نیست که تحولات سیاسی ایران و عثمانی و قفقاز در نیمه دوم قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم قمری/ قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم شمسی شباهت زیادی به هم دارند و مسائل و دغدغه‌های مشترکی را نسبت با غرب دنبال می‌کنند. تجددگرایی با رویکرد مشروطه‌خواهی مهم‌ترین مسئله احرار ایران و عثمانی در این دوران بوده است. علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، دغدغه‌های فرهنگی نیز یکی از مسائلی بود که ایرانیان اسلامبول آن را دنبال می‌کردند؛ اینکه فرزندان ایرانیان ساکن اسلامبول مدرسه‌ای از آن خود داشته باشند و براساس معیارهای فرهنگ ایرانی و به زبان فارسی آموزش ببینند.

۱. براساس نظریه پخش از هاگر استراند، گونه‌های پخش ایده می‌تواند سرایتی، جابه‌جایی و یا سلسله‌مراتبی باشد. برای کاربست این نظریه در پژوهش‌های تاریخی بنگرید به: حسن حسینی (۱۳۸۹)، مشروطه عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ضمیمه ۱، مقاله «مدحت پاشا و ایرانیان»، صص ۲۷۹-۲۹۰.

این دغدغه فقط مختص ایرانیان اسلامبول نبود. پیش از اسلامبول، ایرانیان ساکن در ازمیر موفق شده بودند مدرسه‌ای مختص ایرانیان در این شهر تأسیس کنند که شوربختانه آگاهی‌های چندانی درباره آن نداریم. ایرانیان ساکن طرابزون نیز در سال ۱۳۰۲ ق/۱۲۶۲ ش. موفق به تأسیس مدرسه‌ای برای کودکان خود شده بودند؛ مدرسه‌ای که تا ۱۳۶۰ ق/۱۳۲۰ ش. دایر بود. دهنوی که پژوهشی درباره مدرسه ایرانیان طرابزون انجام داده، نوشته است: «در تأسیس این دبستان غیر از میرزا حسین خان مصباح‌السلطنه، کنسول ایران در طرابزون، تجار علاقه‌مند نقش برجسته‌ای در بنیان‌گذاری و ادامه فعالیت آن ایفا نمودند. فعالیت و تشویق فراوان و بی‌وقفه روزنامه اختر از ابتدای انتشار در سال ۱۲۹۲ ق/۱۲۵۴ ش. و تأسیس دبستان در سال ۱۳۰۲ ق/۱۲۶۳ ش. نقش برجسته‌ای در جلب توجه ایرانیان آن سامان در شکل‌گیری و توسعه آموزش‌های نوین ایفا کرد. حضور بزرگان سیاسی و اقتصادی ایرانی مقیم طرابزون در مراسم دبستان و مشارکت والی آن دیار با سران کشوری و لشکری آن سامان به اتفاق کنسول‌های دولت‌های روسیه و بریتانیا در آن مراسم‌ها، نشان از جایگاه ویژه این دبستان جدید در حوزه ترقی و توسعه و به‌خصوص [شکل‌گیری] پارادایم جدید در حوزه نظام آموزشی داشت. مشارکت اجتماعی ایرانیان مقیم طرابزون در انجام امور خیریه چون خرید زمین به عنوان قبرستان ایرانیان و احداث دبستانی برای آموزش مجانی فرزندان ایرانیان از اقشار مختلف و شکل‌دهی انجمن‌هایی در این حوزه، نشان از سرمایه اجتماعی و افزایش آن دارد». طبیعی است مدرسه ایرانیان ازمیر هم با همان رویکرد و اهداف و برنامه آموزشی دو مدرسه اسلامبول و طرابزون تأسیس شده باشد و پشتیبانان و حامیان هم ایرانیان ساکن این شهر و دولت ایران باشند. حال برگردیم به مدرسه اسلامبول.

پیشتر گفتیم در دوران قاجاریه دسته‌ای از ایرانیان، اسلامبول را برای تحقق آرزوهای سیاسی و علمی خود مناسب یافتند. از این رو، برخی از بازرگانان و تجار، علما و سیاست‌مداران به عناوین مختلف به این شهر مهاجرت کردند و آنجا را به عنوان وطن دوم خود برگزیدند. این دسته از افراد فعالیت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی خود را در اسلامبول دنبال می‌کردند و حتی در بسیاری موارد سعی می‌کردند

بر فضای فکری و سیاسی داخل ایران نیز تأثیر مناسبی بگذارند. ابعاد زندگی این افراد در شهر اسلامبول به قدری گسترده بود که در آنجا امکانات مادی و فرهنگی مخصوص به خود داشتند. ایرانیان در این شهر بسیار فعال بودند، روزنامه‌های فارسی‌زبان مانند اختر، شمس و سروش و غیره به راه انداختند، انجمن‌های سیاسی مانند انجمن برادران و انجمن سعادت تأسیس کردند، بیمارستان ساختند، در امر تجارت فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دادند، پاتوق «خان والده» را به نام خود ثبت کردند و قس علیهذا.

یکی از نهادهایی که ایرانیان به تأسیس و اداره آن در این شهر همت گماردند، مدرسه ایرانیان اسلامبول است. ایده تأسیس این مدرسه و مدیریت آن به سفیر ایران در اسلامبول یعنی میرزا محسن‌خان معین‌الملک (سفارت: ۱۲۸۸-۱۳۰۸ق/ ۱۲۵۰-۱۲۶۹ش)^۱ برمی‌گردد که خود یکی از دولتمردان برجسته ایرانی در اسلامبول بوده است. آنچه در ادامه می‌آید، بررسی مبسوط و البته سنده‌محور تاریخ این مدرسه است. اینکه چگونه و با چه انگیزه‌هایی تأسیس شد؛ چه کسانی تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری و مدیریت این مدرسه داشتند؛ برنامه آموزشی و متون درسی و معلمان آن براساس چه فرایندهایی تهیه، تدارک و انتخاب می‌شدند؛ ساختار اداری مدرسه چگونه بود و چه کسانی آن را اداره می‌کردند؛ درآمدهای مالی مدرسه از چه منابعی بود و چه کسانی در مدرسه عهده‌دار مناصبی بودند؛ و همچنین پرسش‌های گوناگون دیگری که سعی می‌شود پاسخی در خور بدان‌ها داده شود.

پیشینه پژوهش

درباره مدرسه ایرانیان اسلامبول دو مقاله با عنوان «تاریخچه تأسیس مدرسه ایرانیان استانبول»^۲ و «مدرسه ایرانیان استانبول»^۳ نگاشته شده است. هر دو مقاله گزارش مختصری از تاریخچه شکل‌گیری مدرسه همراه با اشاره‌ای کوتاه به معلمان و اعضای مدرسه است. به نظر می‌رسد رویکرد دو مقاله یادشده، تنها ارائه گزارشی کوتاه - و نه

۱. برای آگاهی بیشتر درباره میرزا محسن‌خان معین‌الملک بن‌گربید به: حسن حضرتی (بهار ۱۳۹۸)، «میرزا محسن‌خان معین‌الملک و سفارت عثمانی (۱۲۸۸-۱۳۰۸ق)»، فصلنامه روابط خارجی، سال بیستم، شماره ۷۸، صص ۲۲۰-۲۲۹.

۲. علی رسول زاده اصل (تابستان ۱۳۸۸)، «تاریخچه تأسیس مدرسه ایرانیان استانبول»، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۴، صص ۵۲-۵۳.

۳. اسفندیار معتمدی (اسفند ۱۳۸۹)، «مدرسه ایرانیان استانبول»، مجله رشد معلم، شماره ۲۵۵، صص ۳۲-۳۴.

بررسی همه‌جانبه موضوع - بوده است. از این رو، بسیاری از مسائل مربوط به مدرسه مجهول مانده است. در این پژوهش سعی شده است براساس اسناد آرشیوهای ایران و ترکیه توصیف عمیق و گسترده‌ای درباره نظام آموزشی، منابع مالی، مشکلات اداری و سیاسی، مسائل هویتی مدرسه و غیره ارائه شود.

مراجع پژوهش

منابع دست اول درباره مدرسه ایرانیان شامل اسناد مربوط به مدرسه، روزنامه‌های آن دوره و خاطرات بازیگران و شاهدان عینی است؛ افرادی که در مدرسه تدریس کرده‌اند و یا به گونه‌ای با آن سروکار داشته‌اند. افرادی مانند سفیران وقت ایران و یا اعضای انجمنی که مسئول اداره مدرسه بودند. برای دستیابی به اسناد مربوط به مدرسه، از اسناد آرشیوی سازمان اسناد ملی ایران، وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی و اسناد آرشیو دولتی ترکیه در اسنادمول استفاده شد و بخش زیادی از اطلاعات مربوط به مدرسه از محتوای این اسناد استخراج گردید. روزنامه اختر نیز که از سال ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ق/ ۱۲۵۴ تا ۱۲۷۴ش. حدود ۲۱ سال در اسلامبول انتشار یافت، منبع مهمی درباره تاریخ و تحولات مدرسه ایرانیان اسلامبول به شمار می‌رود. این روزنامه یادداشت‌های زیادی درباره مدرسه منتشر می‌کرد. در این پژوهش با مطالعه دقیق روزنامه اختر، از آن به شکل مطلوبی استفاده شده است. دسته سوم خاطرات و زندگینامه افرادی است که در مدرسه تدریس می‌کردند و یا به شکلی با آن سروکار داشتند. این قسم از منابع نیز برای به دست آوردن آگاهی‌هایی درباره مدرسه بسیار سودمند بود. همچنین کتاب اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران^۱ که در آن اسنادی درباره مدرسه ایرانیان اسلامبول به چاپ رسیده است.

۱ عبسی عبیدی (۱۳۸۱)، اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران (۱۳۱۷-۱۳۰۱ه.ش)، تهیه و تنظیم: مرکز اسناد ریاست جمهوری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.